

سرمقاله

ما و مشکلات فزاینده بیکاری و فقر

حفیظ الله ذکی

افغانستان کشوری است که هنوز از یک بحران نجات نمی یابد که دچار بحران دیگری می شود. بحران مشروعیت در فضای سیاسی مستبدانه و حاکمیت های انحصاری، خسارت ها و زیان های مادی و معنوی بی شماری بر زندگی جمعی و پیشرفت و آبادانی کشور تحمیل کرد و سال ها مردم افغانستان را در عقب ماندگی و بیچارگی نگه داشت. این بحران سبب گردید که دیوار بلند و ضخیم بی اعتمادی میان دولت و مردم شکل بگیرد و رابطه میان حاکمان و مردم بر مبنای یک منطق درست و عقلمانی استوار نشود. بحران امنیت حدود چهار دهه است که زیست جمعی را تحت تأثیر قرار داده و مفاهیم جنگ، جهاد، مهاجرت، تروریسم، کشتار و خشونت را در ادبیات سیاسی ما برجسته ساخته است. پس از دوره طالبان و حضور فعال سیاسی و نظامی جامعه جهانی در افغانستان انتظارها بر این بود که نیروهای بین المللی به زودی بر هراس افگنان پیروز شده و ریشه های ترور و خشونت را در منطقه می خشکانند. متأسفانه پس از بیرون راندن طالبان و سایر گروه های تروریستی از افغانستان نوعی خوشبینی توأم با غفلت، بر تصمیم اعضا ائتلاف بین المللی سالی افکند و مبارزه با تروریسم را از مسیر اصلی آن خارج کرد.

این غفلت و ناهماهنگی و گزارش های خوشبینانه ای که از شکست تروریسم و طالبان در افغانستان داده می شد، باعث نرم تر شدن عکس العمل ها و کم اهمیت جلوه دادن برگشت دوباره طالبان و هراس افگنان به افغانستان گردید. در مقابل طالبان از همین خلأ استفاده کرد و پس از چند سال بار دیگر حضور نظامی اش را در مناطق و ولایت های جنوبی و شرقی کشور به اثبات رساند.

چیزی که بیشتر مایه تأسف و تعجب مردم گردید، این بود که پس از حضور نظامی طالبان در ولایت های متعدد، واکنش جدی و مورد انتظار از سوسوی نیروهای بین المللی در برابر طالبان نشان داده نمی شود و این گروه با آرامش خاطر به تحکیم پایگاههای خود در برخی از ولسوالی ها می پردازند.

شاید سه سال ۲۰۰۹ بر لحاظ روانی بدترین سال برای نیروهای بین المللی و ائتلاف مبارزه با هراس افگنی و بخصوص پیمان ناتو بوده باشد. در این سال شکست ناتو و سایر نیروهای بین المللی در افغانستان محرز شده بود و داوری ها بر این محور می چرخید که مأموریت ناتو در افغانستان به شکست انجامیده است. در آن زمان این سوال مطرح می شد که آیا ناتو به سرنوشت نیروی سابق در افغانستان گرفتار خواهد شد؟ آیا افغانستان به وینام دیگر برای ناتو و غرب تبدیل خواهد شد؟ آیا ناتو سربازان خود را از افغانستان بیرون خواهد کرد؟ آیا مأموریت ناتو در افغانستان ناتمام باقی خواهد ماند؟

طرح های استراتژیک ایوپا و تصمیم بر افزایش نیروها در افغانستان و ایجاد هماهنگی نسبی میان کشورهای عضو ائتلاف؛ اگرچه ناتو را از تحمل یک شکست متفصطحانه رها نماند، اما توانست یک راه حل مطمئن و دایمی برای امنیت افغانستان پیشنهاد کند. در فرجام نیروهای ائتلاف بین المللی با شعار پیروزی بر تروریسم و به این توجیه که طالبان جزو تروریست ها به شمار نمی آید، تصمیم به ترک افغانستان گرفتند و مأموریت امنیتی را از نیروهای بین المللی به نیروهای داخلی سپردند.

سال ۲۰۱۵ نشان داد که جامعه جهانی تا چه حد در مأموریت خود موفق بوده است و تصور آنها از طالبان تا چه حد بر مبنای واقعیت استوار بوده است. در کنار امنیت، بازسازی و بهبود و وضعیت اقتصادی کشور نیز از اهداف عمده جامعه جهانی در افغانستان به شمار می رفت. گراف فوق و بیکاری و مهاجرت در سال جاری می تواند میزان موفقیت حکومت و جامعه جهانی را در عرصه اقتصادی نیز به سنجش بگیرد. در حال حاضر مشکلات اقتصادی چنان برجسته شده و زندگی مردم را با خطر مواجه نموده که مشکل فزاینده امنیتی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. اکنون آیا می توان به درایت و کارکرد حکومت وحدت ملی بخاطر بیرون رفت از بحران های امنیتی و اقتصادی امیدوار بود؟ ...

۴ دلایل تخنیک شرکت فشنر برای انتخاب کردن مسیر بامیان

به چند دلیل مسیر بامیان نسبت به مسیر سالنگ برتری دارد هرچند ممکن است مقدار هزینه آن چند میلیون دالر افزایش یابد. شرکت فیشنر شش دلیل برای ترجیح مسیر بامیان بر سالنگ برآمده است.

۱. مشکلات مربوط به دره سالنگ دوری می کنیم.
۲. استفاده از کارخانه تولید برق از ذغال سنگ دره صوف و اسپیشته بامیان در آینده نه چندان دور و اتصال آن به شبکه سراسری برق.
۳. اگر بخواهیم بعداً یک لاین جداگانه از کابل به این دو معدن ذغال سنگ و معدن کابل و ولایات مختلف است نه کم پروژه صرفاً هزینه آن بسیار زیاد شده و افغانستان باید از بودجه ملی خود و یا شرکت های سرمایه گذار در دو معدن آهن حاجیگک و مس عینک سرمایه گذاری نماید که سبب می شود، دولت این معدن ها را با قیمت پایین تری به شرکت های خارجی واگذارد.

۳. بخش اعظم برق تولیدی در داخل افغانستان از طریق بندهای برق آبی (Hydropower) تولید می شود و چون این نوع تولید برق در فصل زمستان کاهش می یابد، ما شاهد کمبود برق در زمستان هستیم. راه حل این مشکل ورود هر چه عاجل تر برق تولیدی از منابع حرارتی (گاز و زغال سنگ) به شبکه ی برق افغانستان می باشد.

۴. معدن آهن حاجیگک و مس عینک لوگر به طور مستقیم به شبکه برق سراسری وصل می گردد که سبب تسریع در استخراج مواد معدنی این دو معدن بزرگ افغانستان می گردد.
۵. ضریب خطر و ریسک قطع برق برای کابل و ولایات که از این طریق برق آن ها تأمین می گردد، کاهش می یابد.
۶. مطابق اهداف تعیین شده در پلان استراتژیک انکشافی دولت افغانستان (ANDS) و ماستر پلان برق افغانستان (APSMF)، بخش های بیشتری از افغانستان به شبکه سراسری برق وصل می گردد.
۵. مسیر بامیان، ایجاد فرصت ها و انکشاف متوازن

- ۱) مسیر بامیان دو معدن بزرگ زغال سنگ دره صوف، بامیان و معدن آهن حاجیگک در مسیر قرار گرفته و زمینه برای استخراج آن فراهم گشته و صدها نفر دارای شغل می گردند. در حال حاضر امتیاز تولید برق از معدن زغال سنگ دره صوف و بامیان به عنوان ضمیمه های قراردادهای استخراج معدن آهن حاجیگک و مس عینک لوگر

انتخاب مسیر لاین برق ۵۰۰ کیلوولت از مسیر سالنگ؛ تخنیک یا ...!

اشاره: «بخش عمده های این تحلیل بر گرفته شده از نامه معاون محترم دوم ریاست جمهوری استاد دانش در موضوع پروژه برق ۵۰۰ کیلوولت از مسیر بامیان می باشد.»

توسلی غرjistانی (استاد دانشگاه) / قسمت سوم و پایانی

توجیه معقول ندارد و در مغایرت با منافع ملی، انکشاف متوازن، عدالت اجتماعی و

تأمین انرژی برق ولایت بامیان یک خط انتقال برق ۱۱۰ کیلوولت از پشت سرخ از طریق غوربند به بامیان، اقدام خواهد شد، باید گفت که چنین ادعای از چند جهت اقتصادی و تخنیک می محل تردید است. یک چنین طرحی در ماستر پلان ۲۰ ساله برق پیش بینی نشده است. دو احداث چنین لینی نیازمند هزینه به مراتب بیشتر از تفاوت دو مسیر سالنگ و بامیان است. سه. هزینه ساخت خط ۵۰۰ کیلوولت به صورت گزینت توسط بانک انکشاف آسیایی پرداخت می شود، برای ساخت لاین ۱۱۰ کیلوولت از پشت سرخ تا بامیان که در حدود ۱۳۰ کیلو متر است، دولت افغانستان و شرکت برشنا چگونه می توانند منابع تمویلی آن را پیدا کنند. ۹. بر بنیاد معلومات ماستر پلان وزارت انرژی و آب که برای ۲۰۱۵ و ۲۰۲۰ در نظر گرفته شده است، تفاوت هزینه مسیرهای بامیان و سالنگ خیلی متعادل نیست. طبق برآورد این وزارت مسیر بامیان در حدود ۲۱ کیلو متر طولانی تر و با هزینه تقریبی ۸ میلیون دالر است که نه از نگاه طول مسیر و نه از نگاه مصرف رقمی بسیار بالایی نیست. بنابراین این پرسش مطرح است که چرا شرکت برشنا برخلاف ماستر پلان وزارت انرژی و آب مصر بر مسیر سالنگ بوده و حتا پلان وزارت انرژی و آب را نادیده می گیرد؟

نام پروژه	طول به کیلومتر	هزینه به دالر
لاین انتقال ۵۰۰ KV ارغندی الی پلخمری از مسیر سالنگ	۲۹۶.۲	۱۱۷،۹۵۴،۰۰۰
لاین انتقال ۵۰۰ KV پلخمری الی بامیان	۱۸۰	۶۸،۴۰۰،۰۰۰
لاین انتقال ۵۰۰ KV بامیان الی ارغندی	۱۲۷	۵۲،۰۶۰،۰۰۰
مجموع طول و هزینه مسیر پلخمری الی بامیان و بامیان الی ارغندی	۳۱۷	۱۲۰،۴۶۰،۰۰۰
تفاوت هزینه و طول این دو مسیر طبق برآورد	۲۰.۷	۷.۵۶۰،۰۰۰

خواید گرفت.
 ۵. ساخت سرک دره شکاری از پلخمری به بامیان برخی از مشکلات ترانسپورنی و حمل و نقل لوازح خط انتقال برق را به خوبی مرتف می نماید و صبعبعبور بودن مسیر پلخمری به بامیان و از بامیان به کابل به مراتب کمتر از مسیر سالنگ خواهد بود.
 ۶. از لحاظ تخنیک و جابجایی وسایل. ساخت تاورها و پایه های خط انتقال. به خاطر ارتفاع زیاد سالنگ ها از سطح دریا (بیش از ۴۰۰۰ متر از سطح خرابی جنوبی به طور هم زمان، تحقق عدالت اجتماعی و انکشاف متوازن هزینه زیادی نمی باشد و می بایست این شرکت مسایل فوق را مدنظر بگیرد.
 ۷. نتیجه گیری و پیشنهادات (نخست) با توجه به توضیحات فوق، اسناد سسرو تخنیک موجود از طرف شرکت فیشنر و عنایت ویژه دولت وحدت ملی به پروژه های زیر بنایی و ملی، پروژه فعلی شرکت برشنا در مورد انتقال برق ۵۰۰ کیلوولت از دشت الوان پلخمری به کابل از مسیر سالنگ، از نگاه تخنیک و اقتصاد

اجتماعی و سیاسی است. به عبارتی دیگر مفهوم فرهنگ توسعه ناظر بر این واقعیت است که دست نیایی به توسعه همه جانبه مستلزم تقویت زمینه های فرهنگی است. چنین دیدگاهی به فرهنگ و برنامه ریزی فرهنگی مستلزم نگاه فرابخشی به مقوله فرهنگ است؛ به نحوی که بتوان آثار ابعادی فرهنگی در سطوح مختلف تصمیم گیری را شاهد بود. از سوی دیگر این موضع بیانگر آن است که مدیریت و مدیران فرهنگی کشور نباید برنامه ها و فعالیت ها را آنقدر محصور و محدود در نظر گیرند که تنها به توسعه بخش فرهنگ محدود باشند؛ زیرا همواره وجود تعامل متقابل و پویا میان فرهنگ توسعه و توسعه فرهنگی است که می تواند هم افزایی اقدامات را بهبود بخشد.
 - جنبه دوم وظایف بخش فرهنگ به توسعه فرهنگی معطوف است. این جنبه به توسعه حقوق فرهنگی مردم به معنای دسترسی عادلانه افراد به کالاها و خدمات فرهنگی اشباره دارد. مواردی هم چون بهرندی از کالاو خدمات فرهنگی، رادیو، تلویزیون، روزنامه، سینما، مطبوعات، نما تئاتر، موسیقی، نمایشگاه ها، سفرها ینفریعی و... از این قبیل حقوق فرهنگی هستند.
 - به این ترتیب برنامه ریزان می بایست با طراحی سیاست ها و برنامه های مناسب به تأمین حقوق فرهنگی مردم بپردازند. علاوه بر این دولت می بایست منابع لازم را برای تأمین ایسن حقوق فراهم و، از فعالیت های مردم بدر زمینه توسعه فرهنگی حمایت های لازم را به عمل آورد
 ویژه گیهای حوزه فرهنگ شناخت دقیق ویژه گیهای این حوزه نیز می تواند نقش مؤثری در برنامه ریزی فرهنگی (و نهایتاً توسعه فرهنگ ی) داشته باشد. منظور از ویژگی در این جا فرهنگ برای تحقق رشد اقتصادی-

توسعه فرهنگی

محمد تابش / قسمت دوم

گرفته است. در این تحقیق وقتی صحبت از توسعه و اجزای فرهنگی آن شده بیشتر اهداف و آرمان های توسعه مدنظر بوده نه سیر تاریخی توسعه که غرب پیموده است. (نگاهداری، توسعه فرهنگی از نگاه اندیشمندان اسلامی)
 اهمیت موضوع فرهنگ به عنوان سرمایه معنوی، مادی و متراکم شده جوامع و اصلی ترین عامل حفظ و تقویت هویت ملی و تاریخی یک کشور و جامعه شناسخته می شود. جامعه شناسان فرهنگ را از حیث ویژگیو کارکرد آن در دو سطح طبقه بندی می کنند. ۱- معنوی(اساسی): شامل ارزشها،هنجارها و رفتارها ،بایدها و نبایدها و اعتقادات ونگرش ها. ۲- مادی(مشهود): شامل کالاها ،خدمات، محصولات و ابزارهای فرهنگی مثل: کتاب ،مطبوعات ،هنر،سینما،زبان، آداب و رسوم وسنن وغیره. متخصصان علوم انسانی اتفاق نظر دارند که لایه زیرین فرهنگ است که باعث ایجاد فضایل اخلاقی و احساسات ملی در افراد می گردد. وظایف بخش فرهنگ را از دو جنبه می توان مورد بررسی قرار داد.
 - جنبه اول وظیفه و رسالتی است که این بخش در توسعه عمومی کشور یا به عبارت دیگر فرهنگ توسعه بر عهده دارد. مهم ترین هدف در ایس جا ایجاد زیر ساخت ها و فراهم کردن بسترهای مناسب با استفاده از ظرفیت نهادی بخش فرهنگ برای تحقق رشد اقتصادی-

خصوصیت یا صفت خاصی است که موجب تمایز حوزه فرهنگ از سایر حوزه ها می شود.

۱. نظام هدف گذاری و تدوین معیارهای ارزیابی عملکرد در بخش فرهنگ تلفیقی از جنبه های کمی و کیفی است.
۲. فرهنگ و فعالیت ها فرهنگ یهمانطور که تاحد زیادی از متغیر ها پداخلي تاثیر می گیرند، در همان حال از جریان های فرهنگی بین المللی و جهانی به ویژه مقوله مصرف فرهنگی نیز متاثر هستند.
۳. در گذشته بخش عظیمی از اقدامات مربوط به سیاست گذاری و برنامه ریزی و اجراء و نظارت توسط دولت انجام م بند. در حال حاضر شکل گیری و روند رو به رشد انچمن ها، تشکل ها ، نهادهای مؤسسات غیر دولتی در حوزه فعالیت های فرهنگی باعث شده تا توان و ظرفیت حوزه فرهنگ به گذشته توسعه یافته تر گردد. بنابراین برنامه ریزی ها باید به گونه ای باشد که ضمن حفظ و تقویت وظایف حاکمیتی دولت ظرفیت بخش غیر دولتی هم در این زمینه فعال تر شود و از سوی دیگر بهره گیر یاز سازمان های غیر دولتی در مدیریت فرهنگی به عنوان یک راهبرد اساسی شتاب بیشتر بگیرد.
۴. با توجه به اهمیت، حساسیت، تاثیر گذاری و گستردگی و کارکرد های متنوع حوزه فرهنگ جاذبه فرایندهای همراه با نگرش مبتنی بر تحصیل درآمد برای ورود به این حوزه شکل گیرد.
۵. توجه به گروه های قسوی -زبانی و خرده فرهنگ های رایج در کشور. هرگونه سیاست گذاری فرهنگی باید اولاً این تنوع فرهنگی را بپذیرد و ثانیاً با طراحی سازوکارهای مناسب از ظرفیت این خرده فرهنگ ها در جهت تنظیم تبادلات و فرهنگ ملی و تقویت آن بهره مند شود.

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
 هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
 مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
 مسئولیت مقالات به هجده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.
 روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
 www.dailylafghanistan.com
 Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

- صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
- مدیر مسول: محمد رضا هویدا
- سردبیر: حفیظ الله زکی
- کارکنان: یوسف: خالق علی زاده

- دبیران: علی اصغر زاھدی، مصطفی جعفری
- مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷ - ۱۳۲

افغانستان
The Daily Afghanistan

